

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال ششم (۱۳۹۵)، شماره چهاردهم

بررسی تطبیقی معاد در قرآن و عهدین

شهاب‌الدین وحیدی^۱

کبری بشیری نیا^۲

چکیده

حقیقت‌جویی و تلاش برای رسیدن به حقیقت، از جمله خصوصیات انسان است که او را به تحقیق در مبدأ و معاد و باور به عالم پس از مرگ که یکی از اندیشه‌های دیرین بشر بوده است، وا می‌دارد. از همین رو، ادیان توحیدی پیروان خود را به روزی که به حساب همگان رسیدگی می‌شود، وعده داده‌اند. در کتب مقدس یهودیت و مسیحیت، از چگونگی معاد و کیفیت پاداش و عذاب و همچنین جزئیات حشر انسان‌ها بحث به میان آمده است. مسأله زنده کردن مردگان، برپایی قیامت و بهشت و جهنم از موضوعاتی است که بحث‌هایی به صورت کلی در کتب عهدین به خود اختصاص داده است؛ اما بر خلاف عهدین، مسأله معاد در قرآن کریم، گسترده‌تر و با جزئیات بیشتری بررسی شده است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، کوشیده‌ایم به این سؤال پاسخ دهیم که عالم پس از مرگ در ادیان توحیدی، به چه کیفیتی است؟ برای این مقصود، آیات مربوط به معاد و قیامت در عهدین و قرآن استخراج شده و با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

واژگان کلیدی: معاد، قیامت، عهد عتیق، عهد جدید، قرآن کریم.

۱. استادیار دانشگاه آیت الله حائری میبد (نویسنده مسئول) / Vahidishahab@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب قم / Cobra.bashiri@yahoo.com

۱- مقدمه

اعتقاد به معاد، زندگی را معنا دار کرده و انسان را از پوچ‌گرایی‌های می‌بخشد. توجه به معاد و جهان واپسین، به زندگی دنیوی انسان، نظامی خاص بخشیده و باعث می‌شود در رفتارها و اعتقاداتش تجدید نظر کلی نماید. همچنین با توجه به مسأله معاد است که انسان، هدف آفرینش را بهتر درک می‌کند. از این‌رو، یکی از مسائل مهم در زندگی انسان‌ها توجه به اصل معاد و زندگی پس از مرگ است.

این مسأله از دیرباز مورد توجه اقوام باستانی بوده است. بسیاری از اقوام اولیه و حتی نیمه‌متمدن، بر این باور بودند که پس از مرگ، ارواح در زیر توده‌های خاک و در جوار جانداران، زندگی جدیدی را آغاز می‌کنند و به شکل دیگری پس از مرگ، به زندگی ادامه می‌دهند و رنج‌ها و خوشی‌هایی را در زیر خاک احساس می‌کنند. مطابق با همین عقیده بوده است که وسایل و لوازم زندگی را در کنار مردگان دفن می‌کردند تا پس از مرگ از آن‌ها استفاده کنند.

در قرآن کریم، آیاتی در مورد زمان مردن، برزخ، قیامت، رسیدگی به اعمال و استقرار در بهشت یا دوزخ وجود دارد. در مسیحیت و یهودیت نیز مباحثی به شکل کلی راجع به معاد آمده است؛ اما جزئیات بحث آن، همچنان مبهم است و نیاز به بررسی دارد. آنچه ما را به بررسی مسأله زندگی پس از مرگ (معاد) از منظر قرآن و عهدین (تورات و انجیل) واداشته، پاسخ به شبهاتی است که پیرامون مسأله معاد طرح شده است. نیز این نوشتار در مقام پاسخ به کسانی است که تصور می‌کنند در کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان (عهد عتیق و عهد جدید)، به مسأله معاد توجهی نشده است. درباره پیشینه این پژوهش باید گفت، با ملاحظه نکات فوق، نویسندگان این نوشتار پژوهشی با نقطه عزیمت‌های فوق مشاهده نکردند و از این جهت نوآوری کافی را دارا می‌باشد. روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی - تحلیلی با تکیه بر مطالعات تطبیقی است.

۲- باور به جهان واپسین در دین یهود

«عهد عتیق» یا به عبارتی «عهد قدیم» مجموعه کتب مقدس عبرانی است که ترسیم‌کننده فرهنگ قوم یهود بوده و در طول قرون متمادی، نگاشته و مدون گردیده است. در کنار عهد عتیق، مجموعه‌ای فقهی - تفسیری به نام «تلمود» وجود دارد که در بین یهودیان، اعتباری همسنگ عهد عتیق دارد. عهد عتیق ابتدا بر اساس روایات شفاهی و پس از آن، به هنگام استقرار و تشکیل دولت یهودیان در اورشلیم در قرن دهم قبل از میلاد، به صورت مکتوب درآمد (کلباسی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱). در دین یهودیت، موضوعات و مسائل مربوط به عالم پس از مرگ حجم اندک و

محدودی را به خود اختصاص داده‌اند. از آنجا که قرن‌ها در میان بنی‌اسرائیل سخن از معاد در میان نبود، در کتب عهد قدیم از جمله تورات، به این موضوع به شکلی بسیار اندک و مبهم پرداخته شده است. توضیح آنکه آنها تا پیش از نجات بابل، اعتقاد به روز رستاخیز نداشتند و از آن جهان، تصور مبهمی در خاطر می‌پروراندند.

۲-۱- معاد در عهد عتیق

از دیدگاه یهود، انسان دارای ماهیت دوگانه است: روح او از آسمان، و بدنش از زمین است. چنانکه در جامعه سلیمان آمده است: «روح به نزد خدا که آن را داده است، بازگردد» (عهد عتیق، جامعه سلیمان، ۱۲: ۷). همچنین مرگ به معنای پایان حیات نیست؛ بلکه به مفهوم پایان ارتباط روح و بدن در این دنیا است. بدن در قبر مدفون می‌گردد و روح به حیات خود ادامه می‌دهد. نیز این باور وجود دارد که علت مرگ و میر، خطا و گناه است. از نظر آنها دو نوع مرگ وجود دارد: یکی مرگ روحانی که همانا دوری از خدا و انفصال روح از پروردگار است و در نتیجه خطا و گناه حادث می‌شود و دیگری مرگ جسمانی است که انفصال روح از بدن است.

مسئله معاد بین گروه‌های کلامی یهودیان محل اختلاف است. گروهی مانند فریسیان معتقد به معاد هستند و آن را جزء اصول خود می‌دانند و انکار آن را گناهی بزرگ می‌شمارند؛ اما گروهی مانند صدوقیان معتقدند با مردن جسم، روح نیز معدوم می‌شود و مرگ، پایان موجودیت انسان است. دلیل انکار رستاخیز مردگان توسط صدوقیان این بود که در اسفار پنج گانه تورات، ذکری از آن به میان نیامده است. این در حالی است که در تورات، آیات متعددی وجود دارد که مضمون آنها به روشنی بر احیاء مردگان و معاد اشاره دارد.

۱- در تورات از قول خداوند چنین آمده است: «من میراننده و زنده‌کننده و زخم‌زننده و التیام‌دهنده‌ام» (سفر تثنیه، ۳۲: ۱۹). آیه فوق علاوه بر قدرت خداوند، می‌تواند به وجود رستاخیز اشاره داشته باشد. چنانکه تلمود در توضیح این آیه می‌گوید: «آیا می‌توان گفت که مردن برای یکی گفته شده است و زنده شدن برای دیگری، همان طوری که رسم معمول دنیا است که (یکی می‌میرد و دیگری به دنیا می‌آید)؟». از این جهت در تورات در دنباله جمله فوق گفته شده است: «من مجروح کرده‌ام و خودم شفا خواهم داد». همان طوری که مجروح شدن و شفا یافتن هر دو برای یک تن گفته شده است، همان‌گونه مردن و زنده شدن نیز هر دو درباره یک تن آمده است. پس این آیه، مخالف مدعای کسانی است که معتقدند ذکری از موضوع رستاخیز مردگان در تورات نیامده است (کهن، ۱۳۵۰، ص ۳۶۹).

۲- «زمین نجس شده است به آن سبب من انتقام گناهش را از آن خواهم کشید که زمین، ساکنان خود را قی خواهد نمود» (سفر لاویان، ۱۸: ۲۵). با توجه به زمان جمله‌های مستقبل «خواهم کشید» و «خواهد نمود» و نیز مضمون آن‌ها، عبارت فوق نیز می‌تواند ناظر به رستاخیز مردگان باشد. زیرا منظور از ساکنان زمین، می‌تواند مردگان باشند که بیرون انداختن آنها در آستانه قیامت صورت می‌گیرد.

۳- «...تو را در بیابان من خورانید تا تو را ذلیل سازد و بیازماید و بر تو در آخرت احسان نماید» (سفر تثیبه، ۹: ۱۶). این آیات نیز نشانگر اعتقاد به معاد در تورات است. روشن است مباحثی چون برزخ، معاد روحانی و جسمانی، داوری، رستاخیز مردگان و جهنم همه به نوعی مستلزم اثبات معاد است.

۲-۲- برزخ در عهد عتیق

در مورد برزخ در عهد عتیق، تفسیر و تصویر روشنی که وجود چنین عالمی را اثبات کند، به چشم نمی‌خورد. ولی مطابق آیات عهد عتیق، اشاراتی به صورت کلی وجود دارد که به نظر می‌رسد به عالم برزخ دلالت داشته باشد. طبق این آیات، مردگان به سرزمین اموات که «شئول» نامیده می‌شود، می‌روند. شئول یا برزخ، حالت میانه‌ای قبل از زنده شدن و پاداش و مجازات نهائی است که در رساله دوم مکابیها هم به آن اشاره شده است. آنجا که می‌گوید: «یکی از شهدا به نام ایلعازر درباره رفتن به عالم ارواح سخن می‌گوید و چون او به‌عنوان یک شخص عادل لازم بود در قیامتی که فوقاً اشاره شد، شرکت داشته باشد؛ اقامت او در عالم ارواح، موقتی بود» (دوم مکابیها، ۶: ۲۳). چنانکه یعقوب و داوود نیز هر دو اشاره به شئول کرده‌اند که مکانی تاریک برای اموات است و اظهار امیدواری نموده‌اند که در آنجا به فرزندان خود که قبل از موعد فوت کرده‌اند، خواهند پیوست» (سفر پیدایش، ۳۵: ۳۷). همچنین در عهد عتیق آمده است: «زیرا جانم را در عالم اموات (شئول) ترک نخواهی کرد و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را ببیند. طریق حیات را به من خواهی آموخت. به حضور تو کمال خوشی است و به دست راست تو لذتها تا ابد الابد» (عهد عتیق، ۱۶: ۱۰)

بر اساس گزارش قاموس کتاب مقدس، در عهد قدیم «هاویه» به مرحله اول حیات پس از مرگ اشاره دارد که محل رحمت الهی برای نیکان و محل عذاب برای بدکاران است (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۹۱۷). همچنین از هاویه به مکانی در زیر زمین که جایگاه مردگان می‌باشد، تعبیر شده است (کتاب ایوب، ۱۶: ۱۴). البته بنا بر پاره‌ای متون یهودی، همیشه مقصود از هاویه، محل

عذاب و عقاب نیست بلکه گاه مراد از آن، جایگاه استراحت نفس نیکوکاران است تا خداوند وی را تفقد و مرحمتی فرماید (همانجا).

۲-۳- رستاخیز مردگان

در اسفار نخستین (تورات) درباره رستاخیز آمده است که در ارض مقدس فلسطین (اورشلیم) صورت خواهد گرفت و کسانی که در جاهای دیگر به خاک سپرده شده‌اند، مجبور خواهند شد از طریق گذرگاه‌های زیرزمینی که برای آنان پدید خواهد آمد، روانه سرزمین مقدس شوند. مردگانی که در خاک سرزمین اسرائیل خفته‌اند، از تجدید حیات بهره‌مند خواهند شد، در کتاب‌های دیگر عهد عتیق بحث بیشتری در این باره صورت گرفته است. اولین اشاره در کتاب مقدس عهد عتیق به نوعی از رستاخیز اموات، مکاشفه‌ای است که از حزقیال نبی نقل شده است. حزقیال با تصویرپردازی کنایی از رستاخیز پیش‌بینی کرد که قوم بنی‌اسرائیل، استقلال سیاسی را در سرزمین خود باز خواهد یافت. وی درباره تحولات طبیعت در آستانه رستاخیز می‌گوید: «خداوند می‌فرماید که موافق راه‌هایت و بر طبق اعمال تو را حکم خواهند نمود» (حزقیال، ۲۴: ۱۴). «بدکاران به جهنم رفته، مجازات خواهند شد و نیکوکاران به بهشت رفته، پاداش خود را خواهند یافت» (حزقیال، ۲۴: ۱۴).

چند عبارت از عهد عتیق که به وجود رستاخیز اشاره دارد بیان می‌شود:

۱- «...مردگان تو زنده خواهند شد و جسد‌های من برخوانند خاست. ای شما که در خاک ساکنید! بیدار شده، ترنم نمایید چونکه شب نم تو شب نم گیاه‌ها است و زمین متوفی‌ها را بیرون خواهد انداخت» (اشعیا، ۲۶: ۱۹).

۲- «...و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان (نیکوکاران) به جهت حیات جاودانی و آنان (بدکاران) به جهت خجالت و حقارت جاودانی» (دانیال، ۱۲: ۲)؛ نویسنده کتاب «گنجینه‌ای از تلمود» معتقد است در کتاب مضامیر داوود، جامع سلیمان و ایوب مطالبی یافت می‌شود که با عقیده به معاد سازگار نیست؛ همچنین صدوقیان که فرقه‌ای منشعب از یهودیت بودند که توسط (صادوق) رئیس کاهنان یهود (قرن دهم قبل از میلاد) اعتقاد به رستاخیز مردگان را رد می‌کردند. بنا به عقیده ایشان ذکری از این موضوع در اسفار ۵ گانه تورات به میان نیامده است و فقط در تورات شفاهی که مورد قبول آنها نبود بدان اشاره شده است (کهن، ۱۳۵۰، ص ۳۶۳). می‌توان گفت در کتاب ایوب مطالبی یافت می‌شود که با عقیده معاد سازگار نیست از آن جمله مضمون زیر و مشابهات مکرر آن است؛ چرا گناهانم را نمی‌آمرزی

و خطاهایم را دور نمی‌سازی زیرا که الآن در خاک خواهیم خوابید و مرا تفحص خواهی کرد و نخواهم بود (ایوب، ۷: ۲۱). این موارد به گونه‌ای است که عده‌ای از علمای یهود چنین داوری کرده‌اند «ایوب کان ینکر بیعت الاموات». (موسی بن میمون، ۱۹۴۷، ص ۵۵۹).

۲-۴- نظام داوری در عهد عتیق و تلمود

مسئله داوری نهایی و در نتیجه کیفر و پاداش، یکی از معتقدات اصلی یهودیان است. به اعتقاد آنان دو نوبت داوری در کار خواهد بود. نخست داوری عام یا داوری اول که در ابتدای سلطنت هزار ساله، بر روی زمین خواهد بود. در این داوری، تمام امت‌ها جمع خواهند شد. برای صالحان، حیات ابدی و برای بدکاران، مجازات ابدی در نظر گرفته می‌شود. افزون بر آن، داوری خاص نیز انجام خواهد پذیرفت. با این توضیح که در داوری دوم که در آسمان‌ها انجام خواهد شد (قیامت)، فقط به ارزیابی اعمال مردگان اختصاص خواهد داشت؛ نامه‌ها گشوده می‌شود و در این داوری، فقط دریاچه آتش وجود دارد. همچنین در عهد عتیق، به نامه اعمال انسان‌ها در قیامت اشاره نشده ولی در تلمود مفصلاً به جزئیات آن در رستاخیز پرداخته شده است: «..که شریران در محکمه، گناهکاران در جماعت عادلان نخواهند ایستاد زیرا که خداوند، راه عادلان را پسندیده است؛ اما راه شریران، ضایع خواهد شد» (مزامیر، ۵: ۱).

۲-۵- بهشت و دوزخ در عهد عتیق و تلمود

در قاموس کتاب مقدس، ذیل کلمه جنت آمده است: «بهشت اصلی، مکانی است که خداوند آن را برای انسان، قبل از اینکه سقوط کند، قرار داده است و در وسط آن، شجره حیات قرار دارد و این اصطلاح به هر باغی در قصرهای پادشاهان، اطلاق شده است» (کهن، ۱۳۵۰، ص ۶۶). در عهد عتیق، هفت طبقه بهشت را «گن عدن / باغ عدن» گویند که به هفت دسته عادلان و نیکوکاران اختصاص می‌یابد (همان، ص ۶۷). ارواح کسانی که به «گن عدن» پذیرفته می‌شود، طبقه‌بندی شده و هر یک به بخشی که شایسته مقام اوست، وارد می‌گردند. اما عالیترین لذتی که ارواح عادلان و نیکوکاران در «گن عدن» از آن بهره‌مند خواهند شد، بودن آنها در حضور خداوند است (کهن، ۱۳۵۰، ص ۳۸۹).

اما جهنم در عهد عتیق، این گونه توصیف می‌کند: «مکانی تنگ و تاریک و مخوف است، دارای درهایی است و ساکنین آن شعور دارند» (سموئیل دوم، ۲۲: ۶؛ مزامیر، ۶: ۵). در جهنم، تاریکی و ظلمت حکم فرماست (مزامیر، ۸۸: ۱۲). شریران و بدکاران عامل تاریکی هستند. از

طرفی تلمود، جهنم را به هفت طبقه تقسیم می‌نماید که در هر یک، هفت رودخانه آتشین و هفت سیلابه تگرگ وجود دارد. یخ و آتش، مجازات‌های محیط طبیعی‌اند که بدکاران در آن تا ابد عذاب می‌کشند (چایدستر، ۱۳۸۰، ص ۳۱۲) و هر چه انسان شریرتر و بدکارتر باشد، به همان نسبت، جان او در طبقه پایین‌تری خواهد بود.

در عهد عتیق، کیفر اخروی بیشتر با مجازات‌های ابدی همراه است ولی اموری می‌تواند رنج‌ها و عذاب‌های جهنم را کاهش دهد و حتی می‌شود به کلی از آن رهایی یافت. مهم‌ترین وسیله رهایی انسان از عقوبت دوزخ، آموختن و مطالعه تورات است؛ زیرا آتش جهنم بر دانشمندان اثری ندارد. همچنین آتش دوزخ بر گناهکاران بنی‌اسرائیل و شاگردان حکما (دانیان به تورات) راهی نیست. پس آتش جهنم بر ارواح گناهکاران اسرائیل، تسلط ندارد (کهن، ۱۳۸۲، ص ۳۸۶).

۳- باور به جهان واپسین در عهد جدید

۳-۱- معاد در عهد جدید

عهد جدید که مجموعه متون مقدس آیین مسیحی است، از مرجعیت بالایی در بین مسیحیان برخوردار است. این متون دینی، شالوده هویت مسیحی و در بردارنده اصول اعتقادی این آیین است. در این کتاب، اصل معاد یکی از اصول اعتقادی مسیحیان شمرده شده است. از آنجا که آنان معتقدند: روح آدمی فناپذیر است؛ زندگی پس از مرگ وجود دارد که عناصر اصلی آن عبارتند از: روز داوری، رستاخیز مردگان و انتقال افراد به بهشت یا دوزخ بر طبق اعمال نیک یا بد بر روی زمین و حیات ابدی برای نیکوکاران، فنا و نابودی برای بدکاران.

در مسیحیت از سه نوع مرگ نامبرده می‌شود: ۱- مرگ جسمانی: عبارت است از جدا شدن روح از بدن. کتاب مقدس آن را از مجازات گناه می‌داند؛ ۲- مرگ روحانی: عبارت است از جدا شدن روح از خدا؛ ۳- مرگ ابدی: نتیجه تکمیل مرگ روحانی است. در واقع مرگ ابدی یعنی انسان از اتحاد و رؤیت خدا محروم می‌شود و این مرگ بدترین مرگ‌هاست.

بنا بر سنت مسیحی، همه انسانها در قیامت برانگیخته و دوباره زنده می‌شوند و معاد، جسمانی-روحانی است. بر اساس اصول و تعالیم دینی مسیحیان، با جسم و روحی که داریم، از نو زنده خواهیم شد؛ به گونه‌ای که از نگاه مسیحیت کاتولیک و ارتدوکس، شادی رستگاران کامل نخواهد شد مگر زمانی که بدن‌های خود را بازیابند (اونامونو، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷). فرقه‌های مسیحی از جمله ارتدوکس، به جسمانی بودن معاد معتقدند. به عقیده آنها، از کتاب مقدس گرفته تا آباء کلیسا، همگی بر وحدت جسم و روح انسان تأکید می‌کنند. انسان دارنده جسم و روح نیست

بلکه دارنده اتحاد جسم و روح است. در نتیجه مذهب ارتدوکس، ارج بسیاری برای بدن انسان قائل است.

۲-۳- برزخ در عهد جدید

در عهد جدید به روشنی از رستاخیز همه مردگان سخن به میان آمده اما چیزی درباره برزخ و تعبیری که بتواند وجود چنین جهانی را اثبات کند، سخن صریحی به چشم نمی‌خورد. اما در تعبیر «پس با وجود آنکه خاطر جمع نیستم بیشتر خواهانیم که از بدن غائب شده نزد خدا منزل گزینیم» (نامه دوم به قرنتیان، ۵: ۸) به نظر می‌رسد به شکل مبهم بر معنای برزخ دلالت دارد.

۳-۳- داوری توسط مسیح

در عهد جدید از روز قیامت به نام «روز داوری» یاد می‌شود. در کائنات مسیحیت، روز داوری با ظهور مسیح همزمان است. در آن روز در صور اسرافیل دمیده می‌شود و همه مردگان از قبر برمی‌خیزند؛ زندگان متحول می‌شوند و دادگاه الهی با داوری مسیح بر پا می‌گردد. در این داوری همه مردم به دو گروه گوسفندان و بزها تقسیم می‌شوند. گوسفندان، نیکان هستند که به غربا، مستمندان عریان و دربندان و گرسنگان ترحم نموده‌اند و بهره آنان در جهان، شرکت در قلمرو الهی است. اما بزها، انسان‌های ملعون و شرورند که خلاف نیکان عمل کرده‌اند و کیفر آنان، آتش ابدی خواهد بود (آشتیانی، ۱۳۶۸، ص ۳۶۵).

۴-۳- بهشت و دوزخ در عهد جدید

با بررسی و دقت در متون عهد جدید مطلبی یافت نشد که به صورت واضح درباره بهشت سخن گفته باشد؛ اما با این همه، جملاتی وجود دارد که به صورت مبهم بر معنای بهشت دلالت دارد. در دین مسیح، بهشت مکان خداوند و فرشتگان و سرنوشت ابدی انسان‌هاست و رستگاری مؤمنان در آنجا محقق می‌شود (همان، ص ۸۱۷). در تعالیم کاتولیک‌ها، آنان که با محبت و دوستی خدا از دنیا می‌روند، در ملکوت آسمان‌ها و در فردوس برین با مسیح بوده و از مصاحبت فرشتگان مقدس بهره‌مند می‌شوند و ذات خدا را شهوداً و حتی به صورت مواجهه مستقیم، مشاهده می‌کنند؛ بدون اینکه هیچ مخلوقی واسطه در دیدن آنان شود و از این رؤیت ذات الهی، لذت می‌برند (همان، ص ۸۱۹).

جهنم^۱ بنا به عقیده مسیحیان، مکان ابدی و محل عذاب لعنت ابدی است. گودالی آتشین که در زیر زمین قرار دارد و مانند شئول، جهانی زیرزمینی است که اموات در آن می‌افتند و تنها نفرین‌شدگان به زیر زمین فرو می‌روند. در اناجیل درباره دوزخ سخن به میان آمده است و عبارات فراوانی به توصیف آن اختصاص یافته است:

«از آن‌هایی که جسم را تباه می‌نمایند و بر هلاک روح قادر نیستند هراسان مباشید؛ بلکه سزوار است که از آن کس ترسید که قادر است بر هلاک نمودن روح و جسم در جهنم» (انجیل متی، ۱۰: ۳۸؛ انجیل لوقا، ۱۲: ۴-۵) یا آمده است: «هر که به برادر خود بی‌سبب خشم گیرد، مستوجب حکم باشد و هر که به برادر خود احمق گوید، مستحق آتش جهنم خواهد بود» (انجیل متی، ۲۱: ۱۵-۲۲). بنا بر اعتقاد سنت کاتولیک، آنانی که با گناهان کبیره از دنیا می‌روند و به میل خود به عنوان دشمنان خدا از خیر روی برمی‌گردانند، تا ابد در جهنم خواهند بود.

در آیین پروتستان‌ها نیز درباره بهشت و دوزخ سخن گفته شده است؛ اما هیچ حکمی درباره طرد ابدی در کتاب مقدس وجود ندارد و اگر خداوند، انسانها را پیشاپیش طرد کرده باشد، هیچ سخنی نیست. اگر چنین باشد، پس خدا مسبب گناه می‌باشد و همچنین بعضی از متکلمان ارتدوکس، عذاب جاویدان را قابل بحث نمی‌دانند و آنها را با عدل خداوند، سازگار نمی‌دانند (ماریوس، ۱۳۷۳، صص ۶-۸).

۴- جهان پس از مرگ در قرآن

معاد یا روز جزاء (یوم الدین) از ارکان اولیه و از مهمترین اصول تعالیم اسلامی است. قرآن کریم بسیار این موضوع را مورد توجه قرار داده و در حدود ۱۵۰۰ آیه را بدان اختصاص داده است. در تعبیری چون یوم الدین، یوم القیامه و... از حشر همه نژادهای آدمی بحث شده است و هر فردی به اقتضای اعمالی که در دنیا انجام داده است، به پاداش و یا عقاب آن اعمال خواهد رسید. در اینجا به مهمترین مواضعی که قرآن به جهان پس از مرگ و امور مربوط به آن اشاره داشته است، اشاره می‌شود.

۱. معرب کلمه گهینوم (Gehinnom) به معنای مجازات است (مینوا، ۱۳۸۱، ص ۸۵). منشأ آن کلمه عبری شئول و یونانی (hads) به معنای مکانی برای مردگان است (حامدی، ۱۳۸۴، ص ۹۰).

۴-۱- قیامت در قرآن

راز نام‌گذاری روز موعود به قیامت که از مشهورترین نام‌هاست و در قرآن سوره‌ای به این نام اختصاص یافته، این است که مردم در این روز، ناگهانی و یک‌باره قیام خواهند کرد. چنانکه در قرآن آمده است: ﴿يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱ (مطففین: ۸۳/ ۶)؛ ﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا...﴾^۲ (نبأ: ۳۸/۷۸) و ﴿يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ (ابراهیم: ۴۱/۱۴).

از نظر آیات قرآن، معاد و برگشت به سوی خداوند متعال، یک مسأله کلی و عام بوده و مخصوص انسان نیست. با دقت و تدبیر در نکات و تعبیرات موجود در آیات، به این حقیقت پی می‌بریم که آفرینش و ایجاد هر موجودی، ملازم با برگشت دادن آن است. یکی از رخدادهای قیامت، آن است که تمامی مردگان اعم از جن و انس، همگی اجتماع می‌کنند و خداوند همه را در محشر حاضر می‌نماید. از این رو یکی از نام‌هایی که در قرآن کریم برای قیامت ذکر شده، «یوم الجمع» است. آیه ﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ﴾^۳ (تغابن: ۹/۶۴) بر این مطلب دلالت دارد.

با نگاهی گذرا به آیات قرآن چنین برداشت می‌شود که معاد انسان تنها روحانی نبوده بلکه هم روحانی و هم جسمانی است. آیاتی از قرآن که دلالت بر جسمانی - روحانی بودن معاد دارند، به شش دسته تقسیم می‌شوند:

۱- بازگشت زندگی به بدن‌های مرده: ﴿قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾^۴ (یس: ۷۹/۳۶).

۲- برآمدن مردگان از قبور: ﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾^۵ (حج: ۷/۲۲). ناگفته پیداست که قبر، جایگاه جسم انسان‌هاست و این تعبیر به روشنی بر معاد جسمانی دلالت دارد.

۱. «همان روز که مردم برای پروردگار جهانیان بیا می‌ایستند».

۲. «در روزی که روح می‌ایستد و فرشتگان صف می‌کشند، روح و فرشتگان سخن نمی‌گویند و فقط کسی حق سخن گفتن دارد که بخشایشگر، به او اجازه داده باشد».

۳. «روزی که خداوند همگی شما را برای حضور در دادگاه قیامت حاضر می‌کند و همه با هم اجتماع می‌کنید».

۴. «بگو همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر [گونه] آفرینشی داناست».

۵. «و آنکه رستاخیز آمدنی است. شکی در آن نیست و در حقیقت خداست که کسانی را که در گورها پند برمی‌انگیزد».

۳- حشر انسان‌ها با بدن‌هایشان: ﴿يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ﴾^۱ (قمر: ۴۸/۵۴).

۴- اشاره به اعضای بدن در آخرت: ﴿يَعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ﴾^۲ (رحمن: ۴۱/۵۵).

۵- یادکرد عذاب‌های جسمانی: ﴿وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا﴾^۳ (فرقان: ۱۳/۲۵).

۶- آیاتی که شبهات منکران معاد را نقل و نقد می‌کند: ﴿وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ أَوْ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ قُلْ إِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾^۴ (واقعه: ۵۶ / ۴۷-۵۰).

شایان ذکر است یکی از نام‌های قیامت در قرآن کریم «یوم الحساب» است؛ یعنی روزی که خداوند به حساب اعمال بندگان رسیدگی می‌شود؛ آنچه مسلم است آنکه پروردگار بر تمام هستی احاطه کامل دارد و حتی آن افکار و نیت‌هایی که نیت‌کننده نیز گاهی نسبت به آن دقت ندارد: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَّمْهُ مَا تُوسَّوسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾^۵ (ق: ۱۶/۵۰). نکته دیگر آنکه افزون بر فرشتگان کاتب اعمال، در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که با صراحت، حسابرسی مردم را در قیامت برعهده خود خداوند متعال می‌داند: ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾^۶ (غاشیه: ۸۸ / ۲۶-۲۵). همچنین آیات ﴿وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (نساء: ۶ / ۴) و آیات ﴿فَحَاسِبْنَهَا حِسَابًا شَدِيدًا﴾ (طلاق: ۸ / ۶۵) ﴿فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾^۷ ناظر به همین مطلب هستند (مومنون: ۱۱۷ / ۲۳). در مراجعه به روایات نیز به حسابگری اعمال از سوی خداوند اشاره

۱. «در روزی که به سوی آتش با رخساره‌ها کشیده می‌شوند (و به آنها گفته می‌شود) بچشید حرارت دوزخ را».
۲. «مجرمین از چهره‌شان شناخته می‌شوند، و موی سر و پاهایشان را می‌گیرند و در آتش می‌افکنند».
۳. «و چون دست بسته به تنگنای آن در افتند در آنجا آرزوی هلاکت کنند».
۴. «و بارها می‌گفتند آیا اگر بپریم و خاک و استخوان شویم دوباره زنده و مبعوث می‌گردیم؟ آیا پدران گذشته ما نیز مبعوث می‌شوند؟ بگو انسان‌های اولین و آخرین؟ به طور قطع برای اجتماع در میقات روزی معلوم جمع خواهند شد».
۵. «ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم چه چیزهایی را دلش وسوسه می‌کند و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم».
۶. «همانا بازگشت مردم و بررسی اعمال آنان در روز قیامت با خدای متعال است».
۷. «حساب روز قیامت را از آن خداوند متعال می‌دانند».

شده است اما بر پایه روایات دیگر، خداوند می‌تواند این وظیفه را به دیگران از جمله پیامبر (ص) و امامان معصوم واگذارد.

۴-۲- بهشت در قرآن

در قرآن مجید از بهشت با واژه «جنت» یاد شده است. این موضع، در سه سوره الرحمن، واقعه و دهر به صورت مفصل و در برخی از سوره‌های دیگر قرآن، به صورت گذرا و مجمل بیان شده است. بهشت به گفته قرآن، اقامتگاه ابدی مؤمنان و محل رستگاران در جهان آخرت است. آیات متعددی در قرآن به صراحت از بهشت و نعمت‌های مادی و معنوی آن یاد کرده و همچنین آن را به‌عنوان وعده حیات ابدی برای نیکوکاران در نظر گرفته است. از احادیث اسلامی چنین برداشت می‌شود که بهشت هشت در دارد. چنانچه در حدیث صحیحی آمده است که پیامبر (ص) فرمودند: «همانا بهشت، هشت درب دارد که یکی از آن‌ها به نام ریّان^۱ است که تنها روزه‌داران وارد آن می‌شوند» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۰۷).

امام صادق (ع) در توصیفی از وسعت بهشت می‌فرماید: «کمترین منزل‌های اهل بهشت به قدری گسترده است که اگر جنّ و انس در آن گرد آیند و از طعام و شراب آن استفاده کنند، چیزی از آن کاسته نمی‌شود. پایین‌ترین درجه منزل‌های اهل بهشت آن است که برای آن‌ها سه باغ در نظر گرفته شده وقتی در پایین‌ترین آنها درآیند تا چشم می‌بینند پر از جویبارها، میوه‌ها و... است» (همان، ص ۵۰۸).

۴-۳- جهنم در قرآن

ریشه واژه جهنم، «گهنام» به معنای چاه بسیار گود و ژرف است و در استعمال قرآن، محل عذاب و وعده‌گاه کفار و ستمگران است. این کلمه ۷۷ بار در آیات مختلف تکرار شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۸۴). عذاب‌های جسمانی دوزخیان شامل مواردی چون عذاب دردناک، غذاها و نوشیدنی‌های مرگبار، بادهای مهلک، زندان‌های تاریک، عذاب‌های روحانی، غم و اندوه جانکاه و حسرتی بی‌پایان و تحقیر و سرزنش فراوان می‌باشد.

از آیات متعددی از قرآن مجید چنین استنباط می‌شود که جهنم دارای درهای متعدد است و در یک آیه تصریح به هفت در شده است: ﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ

۱. ریّان به معنای سیراب یا مرد سیراب است و مقابل کلمه عطشان به‌کار می‌رود (صفی‌پوری، ۱۳۷۷، ذیل واژه).

﴿مَنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ﴾^۱ (حجر: ۱۵/۴۳-۴۴). در حدیثی از امام علی (ع) نقل شده که بعد از تفسیر درهای هفتگانه دوزخ، به طبقاتی که بعضی بالای بعض دیگر قرار دارند، اشاره رفته است. در این روایت، نام‌های این طبقات چنین برشمرده شده است: از همه پایین‌تر «جهنم» و بالای آن «لظی» و «حطمه» و فوق آن «سقر» و بالای آن «جحیم» و فوق آن «سعیر» و برتر از آن «هاویه» است (قرشی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۰؛ برای معانی هر یک از واژگان فوق، رک: صفی‌پوری، ۱۳۷۷، ذیل واژگان).

۵- مقایسه و تطبیق جهان پس از مرگ در قرآن و عهدین

آنچه مسلم است سه دین آسمانی اسلام، یهودیت و مسیحیت، در بسیاری از موضوعات معاد با هم اشتراکاتی دارند. اما از آنجا که در پاره‌ای از موارد، اختلافاتی نیز وجود دارد، پس به شکلی کلی نه از باب اشتراک و افتراق، به تطبیق مهم‌ترین موضوعات خواهیم پرداخت.

۱-۵- اصل معاد

برخی باورهای سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام در بحث معاد، مشترک و قابل تطبیق بر همدیگر است از جمله در کتاب اول سموئیل، آمده است: «من میراننده و زنده‌کننده و زخم‌زننده و التیام‌دهنده هستم» (سفر تثنیه، ۳۲: ۳۹). این عبارات به نوعی به برانگیخته شدن مردگان (رستاخیز) دلالت دارد. نظیر همین مطلب در قرآن ذکر شده است. برای نمونه، آمده است: ﴿وَإِنَّ اللَّهَ يَعْتُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾^۲ (حج: ۷/۲۲). همچنین در سوره بقره (۲۸/۲) آمده است: ﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾^۳. (برای آیات بیشتر، رک. انعام: ۳/۶؛ مؤمنون: ۷۹/۲۲، ۸۰؛ فصلت: ۲۱/۴۱)

مشابه این معنا در عهد جدید هم تکرار شده است: «ساعتی می‌آید که تمام کسانی که در قبور می‌باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد هر کس اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و هر کس اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری» (انجیل یوحنا، ۵: ۲۸-۲۷). در جای دیگر انجیل آمده است: «آیا مطالعه ننموده‌اید آنچه از خدا درباره برخاستن مردگان به شما گفته شده

۱. «جهنم وعده‌گاه همه آن‌ها است، هفت در دارد و برای هر دری گروهی از آن‌ها تقسیم شده‌اند».

۲. «خداوند کسانی را که در قبرها هستند برمی‌انگیزد».

۳. «چگونه بر خداوند کفر می‌ورزید، حال آنکه مرده بودید و زنده‌تان کرد، سپس شما را می‌میراند و بدو باز می‌گردید».

است که خدای ابراهیم و خدای اسحاق یعقوب منم و خدا، خدای مردگان نیست بلکه خدای زندگان است» (انجیل متی، ۱۲: ۳۳-۳۱، ۵۲/ لوقا، ۲۰: ۳۷-۳۸/ مرقس ۱۲: ۲۶-۲۷). بنابراین با توجه به مطالب پیش گفته، اصل معاد فی الجمله و بدون در نظر گرفتن جزئیات آن، مورد وفاق پیروان ادیان ابراهیمی می باشد. اگرچه در جزئیات معاد، اختلافاتی میان قرآن و کتاب مقدس وجود دارد.

نکته دیگر آنکه، در هر سه آیین یهودیت، مسیحیت و اسلام به رستاخیز اشاره شده است ولی در دین یهود، تفاوت‌هایی با آموزه‌های قرآن دارد. از جمله آنکه در تلمود، برخاستن از قبر را به درستکاران و عادلان اختصاص داده و گناهکاران را از این سهم محروم دانسته است (کهن، ۱۳۵۰، ص ۳۶۷). مسئله دیگر آنکه محل رستاخیز، سرزمین فلسطین (اورشلیم) معرفی شده است؛ در حالی که قرآن، رستاخیز را برای عموم مردم ذکر کرده است: ﴿اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾^۱ (روم: ۳۰/ ۱۱). همچنین در پاسخ به اینکه گاه و جایگاه رستاخیز کی و کجاست، قرآن آن را مجهول و علم آن را در انحصار خدا می داند (نازعات: ۷۹/ ۴۴).

۵-۲- معاد جسمانی

در آیین یهود، معاد به صورت جسمانی است؛ زیرا در کتاب ایوب از کتب عهد عتیق آمده است: «به درستی می دانم که رهاننده من، حی است و روز واپسین به زمین خواهد ایستاد و بعد از پوسیده شدن پوست و [جسدم] دیگر به همین جسد خدا را خواهم دید» (عهد عتیق، ۱۹: ۲۷-۲۵). همچنین در عهد جدید مسأله رستاخیز به صورت‌های گوناگونی مطرح شده است. در بعضی عبارات، به جسمانی بودن معاد اشاره شده و در بخش‌های دیگر بر روحانی بودن آن تأکید شده است.

برخی فقرات کتاب مقدس که بر معاد جسمانی دلالت دارند، از این قرار است: «مسیح نخستین فردی است که پس از مرگ زنده می شود. بدنی که مسیح در آن قیام می کند، بدن جسمانی است» (لوقا، ۲۴: ۳۹؛ یوحنا، ۲۰: ۲۷). این مسأله بر این امر دلالت دارد که رستاخیز خلق، همچون رستاخیز مسیح خواهد بود؛ زیرا در رساله رومیان، کتاب متأخر عهد جدید آمده است: «خداوند به وسیله روح القدس بدن‌های فانی ما را برخواهد انگیخت» (رساله رومیان، ۸:

۱. «خدای متعال خلق را آغاز می کند و سپس آن را اعاده و برگشت می دهد و سپس شما انسان‌ها به سوی خداوند برگشت داده می شوید».

۱۱-۱۳). نمونه دیگری که بر روحانی بودن معاد تصریح دارد، از این قرار است: «روح است آنچه زنده می‌کند و جسم، هیچ فایده ندارد. سخن‌هایی که من به شما می‌گویم، روح است و حیات و آن‌هایی که در قید جسم‌اند، سرشت آن‌ها جسمانی است و آنانی که تابع روح‌اند، مزاج روحانی دارند» (انجیل یوحنا، ۶: ۶۳).

این مسأله در اسلام سرگذشت مشابهی دارد و بر اساس آیات و روایات، معاد هم جسمانی و هم روحانی است. آیات زیادی از قرآن کریم، بر جسمانی بودن معاد دلالت دارد: ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾^۱ (یس: ۷۸-۷۹/۳۶). به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در آیین یهود، رستاخیز جسمانی است اما در کتب عهد جدید و قرآن، معاد هم روحانی و هم جسمانی است (ر.ک. وحیدی، ۱۳۹۱، صص ۸۳-۱۰۶).

۳-۵- برزخ

چنانچه قبلاً ذکر شد، در عهد عتیق از جهان پس از مرگ به عنوان «شئول» نام برده شده است. این دلالت بر این دارد که بین عالم این دنیا و معاد یا قیامت، فاصله‌ای به نام برزخ وجود دارد. این مورد هم در قرآن و هم در عهد جدید یافت می‌شود. طبق برخی از روایات عهد عتیق، مردگان به سرزمین اموات که شئول نامیده می‌شود، می‌روند. چنانکه در سفر پیدایش آمده است: «یعقوب و داوود هر دو اشاره به شئول (عالم برزخ) کرده‌اند که مکان تاریک است و اظهار امیدواری نموده‌اند که در آنجا به فرزندان خود که قبل از موعود فوت کرده‌اند خواهند پیوست» (سفر پیدایش: ۳۷/ ۳۵). عهد عتیق درباره جزئیات ثواب و عقاب این عالم، مطلب خاصی ندارد، اما در کتاب مقدس مسیحیان، اشاره مستقیمی به عالم برزخ نشده است، ولی فقرات متعددی از کتاب مقدس گویای آن است که انسان بین مرگ و رستاخیز، به حیات خود ادامه می‌دهد و صالحان در لذت و نعمت، و بدکاران در عذاب‌اند (لوقا، ۳۱/۱۶؛ دوم قرنتیان، ۵/ ۸؛ مکاشفه، ۱۳/۱۴).

در قرآن کریم نیز از زندگی پس از مرگ تا قیامت کبری، با کلمه «برزخ» تعبیر کرده است. همچنین در آیاتی، برزخ به معنای مکانی ما بین جهان دنیوی و عالم اخروی معرفی شده است

۱. «و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد گفت چه کسی این استخوان‌ها را که چنین پوسیده است زنده می‌کند؟ بگو آن کسی که نخستین بار آن را پدید آورد دوباره زنده‌اش می‌کند. اوست که به هر [گونه] آفرینشی داناست.»

و برای نیکوکاران و بدکاران، عقاب و پاداش مشخص شده است (رحمن: ۲۰/۵۵، مؤمنون: ۲۳/۱۰۰، فرقان: ۵۳/۲۵).

۵-۴- نشانه‌های برپایی قیامت

در آستانه رستاخیز، حوادث زنجیره‌وار عظیمی رخ می‌دهد و تغییر و تحولات ناگهانی آن، نشانه برپایی قیامت است. اینک به فقراتی از عهد عتیق در این باره اشاره می‌کنیم. ابتدا توصیف اشعیاء نبی از عقابی که فرا خواهد رسید: «ولوله کنید؛ زیرا که روز خداوند نزدیک است؛ مثل هلاکتی از جانب قادر مطلق می‌آید. از این جهت، همه دست‌ها سست می‌شود و دل‌های همه مردم گداخته می‌گردد و ایشان متحیر شده، الم‌ها و دردهای زه بر ایشان عارض می‌شود؛ مثل زنی که می‌زاید درد می‌کشند؛ بر یکدیگر نظر حیرت می‌اندازند و روی‌های ایشان شعله‌ور می‌باشد. اینک روز خداوند با غضب و شدت خشم و ستم‌کشی می‌آید تا جهان را ویران سازد و گناه‌کاران را از میانشان هلاک نماید» (اشعیاء، ۱۳: ۱۰/۶).

بر اساس عهد جدید، در هنگامه قیامت، نظیر همین حوادثی که در عهد عتیق ذکر شد به وقوع می‌پیوندد: «وای بر حال آبستنان و شیردهندگان در آن ایام؛ دعا کنید که فرار شما در زمستان واقع نگردد. زیرا که چنان زحمتی در آن ایام واقع خواهد گشت که از آغاز آفرینش که خدا خلق نموده است تا این زمان نبوده است و نخواهد بود. در آن روزها، خورشید تاریک خواهد شد و ماه، نور خود را باز خواهد گرفت و ستاره‌های آسمان خواهند افتاد و قوت‌های فلکی مضطرب خواهد گردید» (مرقس: ۱۳، ۱۷/۲۱).

قرآن روز رستاخیز را این‌گونه توصیف می‌کند: «پایان جهان مسبوق همراه با پدیده‌های کیهانی گوناگون است؛ زمین به لرزه خواهد آمد و کوه‌ها، خواهند لرزید» (مزل: ۱۴/۷۳). آسمان، دودی نمایان برخواهد آورد (دخان: ۱۰/۴۴) و شراره‌هایی از آتش و مسی گداخته فرو فرستاده خواهد شد (رحمن: ۳۵/۵۵). قرآن در توصیفی دیگر آورده است: «ای مردم؛ از پروردگار خود پروا کنید، چرا که زلزله رستاخیز، امری هولناک است؛ روزی که آن را ببینید، هر شیردهنده‌ای آن را که شیر می‌دهد (از ترس) فرو می‌گذارد، و هر آبستنی بار خود را فرو می‌نهد و مردم را مست می‌بینی و حال آن که مست نیستند، ولی عذاب خدا شدید است» (حج: ۲-۱/۲۲). در آن روز، یعنی رستاخیز با خروج از (قبر)، زمین شکافته می‌گردد تا به سرعت مردگان را بیرون افکند (ق: ۵۰/۴۴-۴۲). گورها زیر و رو خواهند گردید (انفطار: ۴/۸۲). خداوند کسانی را که در

گورها هستند برمی‌انگیزد. مضامینی که در وصف زلزله نهایی در قرآن به کار رفته است، در سنت یهودی و مسیحی هم به چشم می‌آید.

۵-۵- داورى نهایی پاداش و کیفر

در عهد عتیق از روز داورى اعمال به «روز حکم» یاد شده و یکی از اعتقادات اصلی یهودیان است. بنا به باور آنان، مسیح در دو نوبت داورى خواهد کرد. در داورى اول، تمام امت‌ها جمع خواهند شد. برای صالحان، حیات ابدی و برای بدکاران، مجازات ابدی در نظر گرفته می‌شود ولی در داورى دوم یعنی قیامت که در آسمان‌ها انجام خواهد شد، فقط به اعمال مردگان اختصاص دارد.

در عهد عتیق این داورى را خداوند متعال بر عهده دارد. به نظر می‌رسد دیدگاه یهودیان با دیدگاه اسلام در مسأله داورى مشابه است. مطابق روایات قرآن کریم از روز آخر به عنوان «یوم القيامة» و همچنین یوم الدین و روز حساب (ص: ۳۸ / ۵، ۱۶، ۲۶؛ مؤمن: ۲۳ / ۲۷) یاد شده است؛ روزی که مردگان بیرون قبرهای خود برپا می‌ایستند (مجادله: ۵۸ / ۶ و ۱۸). زیرا در آن روز، اعمال انسان‌ها از سوی برترین داور، به‌دقت ارزیابی می‌شود و داورى همگان بر عهده خداوند است (انعام: ۵۷ / ۶).

اما دیدگاه مسیحیان در مسأله داورى با دیدگاه اسلام متفاوت است. در اناجیل آمده است: «همانا فرزند انسان با فرشتگان و در پناه شکوه پدر نمایان خواهد شد و در آن هنگام هرکس به فراخور کردارش، پاداش خواهد دید». (متی، ۱۶: ۲۷). آنان معتقدند حضرت عیسی (ع) نه فقط مردگان را زنده خواهد کرد، بلکه جمیع مردم را داورى خواهد نمود. جمیع ما، از هر ملت و هر مذهبی که باشیم، روزی در پیشگاه عادلانه مسیح خواهیم ایستاد تا بر طبق کارهایی که در موقع زندگی خود در این جهان انجام داده‌ایم، داورى شویم (یوحنا، ۵: ۲۲؛ اعمال رسولان، ۱۷: ۳۱؛ دوم قرنتیان، ۵: ۱۰). در این داورى نهایی، دو نقش به عیسی مسیح (ع) داده شده است: یکی منجی بودن برای مؤمنان و دیگری داور بودن برای همگان که مشابه آن در اسلام هم مشاهده می‌شود. اختلافی که در اینجا به چشم می‌خورد آنکه در قرآن، خدا داور همگان است (احزاب: ۳۳ / ۳۹)؛ در حالی که اناجیل، داورى را بر عهده حضرت عیسی دانسته‌اند.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که در سنت اسلامی، بازگشت عیسی (ع) که قرآن بر زنده بودن او تصریح کرده است (نساء: ۴ / ۱۵۶-۱۵۷) انتظار می‌رود. اما در این زمینه باید به دو نکته توجه داشت: یکی اینکه بازگشت عیسی (ع) پس از بازگشت شخصیت دیگری است که

بنا بر احادیث اسلامی، ظهور خواهد کرد و جهان را پس از آنکه از ظلم پر شده است، لبریز از عدل و داد خواهد کرد؛ این شخص که از فرزندان پیامبر است، مهدی (عج) خوانده می‌شود. نکته دوم این است که طبق باورهای اسلامی، بازگشت این دو شخصیت در این دنیاست نه دنیای دیگر. آنان در همین جهان، دوره‌ای از عدل و داد را برپا ساخته و سپس وفات خواهند یافت و بار دیگر مبعوث خواهند شد. بنابراین در اصل بازگشت مسیح و زنده بودن او بین مسلمانان و مسیحیان، اختلاف وجود دارد؛ چرا که مسلمانان معتقدند مسیح قبل از مسلوب شدن، به آسمان عروج کرد. اما مسیحیان معتقدند مسیح پس از مسلوب شدن و دفن شبانه در میان مردگان، از قبر خود سربرآورد. اما قرآن می‌فرماید: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا»^۱ (نساء: ۱۵۷).

۶۵- بهشت

در تلمود از بهشت به عنوان گن عدن (gan eden) یا باغ عدن نام برده شده و به صورت مفصل به آن پرداخته است؛ اما در عهد عتیق به صورت مستقیم از بهشت سخنی به میان نیامده است ولی عباراتی در آن به کار رفته که به نوعی دلالت بر معنای بهشت در آخرت دارد. صریح‌ترین جمله که در این زمینه در عهد قدیم یافت می‌شود، عبارت است از: «خداوند به غیر از تو چشمی ندیده است؛ آنچه را که (خداوند) برای کسی که منتظر انجام و رحمت است، انجام خواهد داد» (اشعیاء، ۴۶: ۴). همچنین در آیین مسیحیت، بهشت به عنوان مکان خداوند، فرشتگان، سرنوشت ابدی و رستگار شدن است؛ اما در عهد جدید، در مورد بهشت سکوت شده و گذرا همچون عهد عتیق به این مطلب اشاراتی رفته است.

ولی قرآن به صورت گسترده‌تر و به تفصیل به این مسأله پرداخته و نعمت‌های بهشت را به دو بخش جسمانی و روحانی تقسیم کرده است. هر کدام از این نعمت‌ها، آیات فراوانی را به خود اختصاص داده است (ر.ک: آل عمران: ۱۵/۳؛ کهف: ۳۱/۱۸؛ صافات: ۴/۳۷؛ زحرف: ۷۱/۴۳، دخان: ۵۴/۴۴؛ محمد: ۱۵/۴۷؛ الرحمن: ۵۴/۵۵؛ انسان: ۲۱/۷۶).

۱. «و گفته ایشان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند، قطعا در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند و یقینا او را نکشتند».

۷-۵- جهنم و ویژگی‌های آن

در کتاب تلمود مرجع دینی یهودیان، جهنم دارای هفت طبقه است و هر چه انسان شریرتر و بدکارتر باشد، به همان نسبت جان او در طبقه پایین‌تر خواهد بود. این هفت طبقه عبارت‌اند از: ۱- شئول (یونس، ۲: ۲)؛ ۲- وادون (مزامیر داود، ۸۸: ۱۲)؛ ۳- شحت (همان، ۱۶: ۱۰)؛ ۴- بورشائون (همان، ۲: ۴۰)؛ ۵- طیط هیاوون (همانجا)؛ ۶- صلما (همان، ۱۰۷، ۱۰)؛ ۷- ارض هتحت (کهن، ۱۳۵۰، ص ۳۸۴). در عهد عتیق نیز تعداد درهای جهنم، هفت عدد ذکر کرده که هر یک نامی دارد و به هر کدام اشاراتی رفته است (ایوب، ۳۸: ۱۷؛ اشعیاء، ۳۸: ۱۰؛ مزامیر، ۹: ۱۳). اما در آیین مسیحیت به طبقات جهنم اشاره‌ای نشده است.

قرآن کریم نیز جهنم را دارای هفت باب دانسته است (حجر: ۴۴/۱۵). با استناد به آیه ۴۵ سوره نساء، می‌توان گفت منظور از «در» یا «باب»، طبقه است و هر طبقه، به افرادی با گناهان خاص اختصاص دارد. اسامی این طبقات بدین قرار است: ۱- جحیم؛ ۲- جهنم؛ ۳- سعیر؛ ۴- هاویه؛ ۵- سقر؛ ۶- حطمه؛ ۷- لظی.

۸-۵- مجازات ابدی

در هر سه دین یهود، مسیحیت و اسلام، عذاب جهنم ابدی معرفی شده است و تفاوتی در این زمینه، دیده نمی‌شود. در اینجا به برخی از آیات مربوط به مجازات ابدی اشاره می‌کنیم:

در کتاب ارمیاء - یکی از کتب عهد عتیق - در توصیف دوزخ آمده است: «کرم ایشان نخواهند مرد و آتش ایشان منتفی نخواهد شد» (ارمیاء، ۵: ۲۳-۲۴)؛ و از یک آتش بیرون رفته، آتش دیگر ایشان را خواهد سوزانید (حزقیال نبی، ۲۴: ۶-۷). در اناجیل هم از دوزخ، بیشتر با تعبیر عذاب ابدی و آتش ابدی و جاوید نام برده است در توصیف دوزخ آمده است: «جایی که کرم‌های بدن خوار هرگز نمی‌میرند و آتش هیچگاه خاموش نمی‌شود» (مرقس، ۱۰: ۴۹/۴۸) و نیز در جای دیگر آمده است: «هر کس به روح القدس کفر گوید، هرگز آمرزیده نخواهد شد؛ بلکه مستوجب عذاب ابدی است» (مرقس، ۳: ۲۹/۲۸).

قرآن نیز در سوره‌های متعدد بر دائمی بودن مجازات تصریح کرده است (آل عمران: ۳/ ۸۷-۸۶؛ هود: ۱۰۷/ ۱۱؛ سجده: ۳۲/ ۲۰؛ احزاب: ۳۳/ ۵). برای نمونه در آیه ۶۵ سوره فرقان آمده است که آتش جهنم با هر بار فروکش، دوباره شعله می‌کشد و کسانی که گرفتار آتش‌اند نجات‌دهنده‌ای جز خداوند ندارند.

نتیجه‌گیری

(۱) بیشترین و معتبرترین آموزه‌ها درباره معاد در دین یهود، در عهد قدیم و تلمود بازتاب یافته است. از بررسی عهد عتیق به‌ویژه بخش اسفار تورات چنین برمی‌آید که در این کتاب، دربردارنده اشاره صریحی از معاد نیست و عبارات به کار رفته در آن، غالباً مبهم و متفرق است و برای بازخوانی آن، نیاز به تفسیر دارد. از همین رو، فرقه‌ای از یهودیان به نام صدوقیان، منکر رستاخیز مردگان هستند، از آن رو که ذکری از برآمدن از قبور در اسفار خمسه، نرفته است. نکته دیگر آنکه گروهی از یهودیان، رستاخیز را از آن همه و گروهی دیگر زندگی آینده و پاداش را از آن عادلان و نیکوکاران می‌دانند و معتقدند شیران و بدکاران با مرگ جسمانی، برای همیشه نابود خواهند شد. افزون بر این، معتقدند واقعه عظیم و شگرف رستاخیز مردگان، در ارض مقدس فلسطین رخ خواهد داد و مردگانی که خارج از ارض مقدس باشند و در عین حال، مستحق پاداش باشند، اجسادشان باید قبل از رستاخیز به ارض مقدس انتقال یابد.

(۲) در مقابل، تعبیر روشن‌تری از معاد در کتب مقدس مسیحیان وجود دارد. این مطالب غالباً تحت عناوین گوناگونی چون روز رستاخیز، کیفر و جزا، داوری، حیات جاویدان و جهنم آمده است؛ با این حال، درباره کم و کیف حقایق پس از مرگ، کمتر سخن رفته است. مسیحیان معتقدند ارواح آدمیان با مرگ جسمانی از بین نمی‌روند، بلکه باقی می‌مانند و بلافاصله برای قضاوت و داوری اولیه (داوری خاص) در محکمه عدل الهی حاضر شوند. این داوری بر طبق اعمال نیک و بد افراد در زندگانی مادی صورت می‌گیرد. در این مرحله، نیکان و پاکان به بهشت می‌روند و گناهکاران که زندگانی‌اشان را در سرپیچی از امر خدا گذرانده‌اند، سریعاً به دوزخ فرستاده می‌شوند. اما کسانی که تکلیفشان مشخص نیست، یعنی کسانی که در زندگی زمینی‌اشان به گناه آلوده شده‌اند و در عین حال خالصانه توبه و اظهار ندامت کرده‌اند، در ابتدا به برزخ فرستاده می‌شوند و پس از پاک شدن، به بهشت می‌روند. اما داوری نهایی (داوری عام) پس از رستاخیز مردگان انجام می‌گیرد. رستاخیز مردگان زمانی روی می‌دهد که دنیا به پایان رسد؛ زمانی که به خواست و اراده الهی، عیسی (ع) به عنوان داور نهایی دوباره ظهور کند. در این رستاخیز، ارواح تمام انسان‌ها به همراه بدن‌هایشان با همه ویژگی‌هایش، زنده می‌شود و در برابر خدا برای ارزیابی و داوری نهایی بر اساس اعمالشان در زندگی دنیوی حاضر می‌شوند. در این داوری، کسانی که اعمالشان بر طبق تعالیم عیسی (ع) بوده است، به بهشت می‌روند و کسانی که بی‌تقوا و گناهکار باشند مستوجب عقوبت‌اند و به دوزخ درمی‌آیند.

۳) در کتاب مقدس مسلمانان یعنی قرآن کریم، سیمای آخرت در آیات متعددی به تصویر کشیده شده است. از جمله مهم‌ترین عناصر آن عبارتند از: مرگ، ورود به عالم برزخ، رخدادهای پیش از رستاخیز، نفخ صور، ظهور زندگانی اخروی، حساب اعمال، شاهدان اعمال، جزا، جهنم و بهشت.

۴) به طور کلی می‌توان گفت در آیین ادیان سه‌گانه، مسأله معاد مطرح بوده و هر یک به شکل‌های گوناگونی آن را تفسیر کردند؛ اما نقطه قابل ذکر این است که جمله‌هایی که صراحت بیشتری درباره مسئله معاد دارند، در کتب عهد عتیق بسیار ضعیف یافت می‌شود و فقط در کتاب تلمود به صورت مفصل به آن پرداخته است. در مقابل، پرداختن به آخرت در عهد جدید بیشتر مشاهده می‌شود اما در آنجا نیز به تفصیل به جزئیات آن پرداخته نشده است. از میان ادیان توحیدی، به یقین می‌توان گفت دین اسلام با جزئیات بیشتری به تبیین معاد پرداخته است. در نتیجه، آخرت‌شناسی دین اسلام در مقایسه با سایر ادیان ابراهیمی یا توحیدی، روشن‌تر و شفاف‌تر است. نکته پایانی آنکه در این ادیان، اشتراک‌ها بیش از افتراق‌ها و اختلاف‌هاست.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۳۸۵ ش.
۱. اوناونو، میگل؛ درد جاودانگی (سرگذشت سوگ زندگی)؛ ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، تهران: ناهید، ۱۳۸۰ ش.
 ۲. چایدستر، دیوید؛ شور جاودانگی؛ ترجمه: غلامحسین توکلی، قم: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۰ ش.
 ۳. حامدی، گلناز؛ فرهنگ اصطلاحات ادیان جهان؛ انتشارات مدحت، ۱۳۸۴ ش.
 ۴. حویزی، عبد علی بن جمعه؛ تفسیر نور ثقلین؛ قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
 ۵. ریچارد و بوش و دیگران؛ جهان مذهبی ادیان؛ ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ، ۱۳۷۴ ش.
 ۶. صفی پوری، علامه عبدالرحیم بن عبدالله الکریم؛ منتهی الارب؛ تهران: چاپ اسلامیة افست، ۱۳۷۷ ق.
 ۷. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
 ۸. کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید؛ با ترجمه: فاضل همدانی، تهران: انتشارات اسلاطیر، ۱۳۸۰ ش.
 ۹. کلباسی اشتری، حسین؛ مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۷ ش.
 ۱۰. کهن، راب. آ؛ گنجینه‌ای از تلمود؛ ترجمه: امیر فریدون گرگانی، تهران: زیبا، ۱۳۵۰ ش.
 ۱۱. موسی بن میمون؛ دلالة الحائرین؛ به کوشش حسن یوسف اتامی، دانشگاه آنکارا، ۱۹۴۷ ق.
 ۱۲. مینوا، جورج؛ تاریخ جهنم؛ ترجمه: حسینعلی عربی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱ ش.
 ۱۳. وحیدی مهر جردی، شهاب الدین؛ «معاد قرآنی از دیدگاه علامه مجلسی»؛ کتاب قیم، شماره ۷، ۱۳۹۱ ش.
 ۱۴. هاکس، جیمز؛ قاموس کتاب مقدس؛ تهران: انتشارات اسلاطیر، ۱۳۷۷ ش.